

یادداشت

نگاهی به نمایش «سیم و سرمه»

تو بخوان مرغ چمن



همایون علی‌آبادی

● روزبه حسینی با نمایش «سیم و سرمه» عزت‌گاهی تلخ و زهرآبه برای دلنوشته‌های خویش در سه‌کنج دنج تالار سایه فراهم آورده است. اجرا با کلام مقدس «انا لله و انا الیه راجعون» شروع و با همین ملکوک‌الکلام به پایان می‌رسد. حزن و تأثر در سرتاسر کار سایه انداخته است. موسیقی محزون، صدای صوت موسیقی‌دان کار و در یک کلام مرثی‌ای برای شب‌های آشنا معاشران گره از زلف یار باز کنید شبی خوش است بدین قصه‌اش دراز کنید میزانشن‌ها، چپ‌نش و جالش شخصیت‌ها، صدای خویش خیال‌انگیز دختر جوان و با حنجره تفرّلی‌اش و نیز فضا‌سازی کلی کار همه حاکایت از مرثیه‌های آشنای محیط ولنگاهی برای در خوش نشستن و در خوش شکستن دارد. روزبه می‌داند که «بسی‌میسیم» یا مرگ‌اندیشی دغدغه و وسوسه بسیاری از هنرمندان بوده است، از تاتار تا موسیقی و تجسمی، فی‌الجمله پیشگوان فجات خویش‌اند. کار روزبه از دل برآمده و لاجرم بر دل می‌نشیند. در پی ایرادهای نیش‌غولی و تکه‌بال‌های ناقده‌انه نمایش وسوای دل‌پریشان و ریش‌ریش روزبه در دریاییم که دلبری کرده و بسا اجرائی که در آن تفاهم، تفهم و تفهیم‌های دراماتیکی غوغا می‌کند، به حسن ظنی زینا فرامی‌خواند. به اعتقاد من کار موزیکالیت‌ه اجرای نمایش سخت زیبا و دلنشین است و به فرایند کلی کار بازیگری‌های بسیار می‌کند. گریم آن آب و تاب طلوع توفنده اسماعیل خلیج، این بزرگ اسطوره دیالوگ‌نویسی و یگانه دورانی که دست‌آورد‌هایش هنوز پس از ۴۰ سال بر تاتار ما سایه انداخته، در این اجرا نیز خود را یک سر و گردن بالاتر از کارهای مشابهش نمایش می‌دهد. تأثیر روزبه از آثار خلیج نه تقلید است، نه واگویی؛ بلکه تأثیر در ژرفا و عمق و عصب آثار خلیج است که روزگاری دستمایه تاتار این دیار بود. از «صغرا دلاک و بابا شیرعلی و احمد آقا برسکو تا قمر در عقرب و جمعه‌کشی و گل‌دونه خانم» همگان بی‌لحظه‌ای مکث و درنگ از مفاخر همیشه ماندگار نمایش ایران‌زمین‌اند که حالیا در کار روزبه حسینی نیز خود را نشان می‌دهند. ام‌ها و احشای متن را که بریزیم بیرون و آن را به اصطلاح «شل و پل» کنیم، درمی‌یابیم که روزبه و اسماعیل خلیج چه ساده، چه به‌سادگی همه‌دیگر را پیدا کرده‌اند و در عصر عسرت هشت شبی در تاتار سایه محصول این مودت و دوستی را عرضه می‌کنند.



دیالوگ‌ها جدا خلیج‌وار است و ما وقتی نسخه بدل خوب مش رحیم را می‌شنویم یا یاد جمعه‌کشی را بر خطه خطیر خاطره می‌رانیم، چه کیف‌آور است و شادی‌بخش، شبی دیگر نه در ته کوچه کلانتری یوسف‌آباد که در مکات تالار سایه پارک دانشجو شاهد ملتقای نمایشی این دو با یکدیگر هستیم.

متن سیم و سرمه سیری است غمگنانه در زندگی مردی که آرام‌آرام می‌مرد تا طعم مرگ را با همه وجود بچشد. از نظر ساختار دراماتیکی هیچ ترتیب و آدابی نیست و صحنه‌آرایی فقط در خدمت موسیقی کار است تا غم غریب غریب با صدای محزون مرد و حنجره زخمی تغزل زن آدمی را به فیض عظمای هم‌اندیشی و همدلی برساند.

من هنگامی که کار را دیدم، با اینساط خاطر شاهد پنجشنبه‌شب‌ی دلنواز در کارگاه نمایش بودم. تعداد اندک تماشاگران با صندلی‌ها و درس یک‌یک یادآور روزگار رفته و رفته بودند، چنان‌ا این سخن دهخدا که گفت: «یاد آر ز شمع مرده یاد آرز».

نگران شخصیت‌پردازی‌ها نیستیم، هرکدام از آدمیان متنی دارند شاعرانه و سراز از صنایع بدیع ادب فارسی، می‌خوانند و تلنگری بر حساسیت‌های تماشاگر می‌زنند و در سایه می‌روند. در سویی سنت و تحریرهای موسیقی ایرانی و در سوی دیگر گیتار اسپانیول که درهم‌آمیزی این هر دو با هم بسیار بر دل می‌نشینند و صد البته روزبه می‌داند که موسیقی باید در خدمت نمایش باشد و ازاین‌روی اجازه نمی‌دهد که عنصر موسیقی تکراری و در سایه‌بردن صحنه تئاتر بشود و این نکته‌ای است که تنها یک تئاتری جوان و مستعد درمی‌یابد که نمایش روزبه حسینی است.

شعرها از مولانا است و آن حجم حجیم صدای دسته‌جمعی کار که منادی شعر ملای روم است و این بیت که: مرگ اگر مرگ است گو نزد من آی/ تا در آغوش بگیرم کنت و تنگ با این بیت: به روز مرگ چو تابوت من روان باشد/ گمان میر که مرا حسرت جهان باشد و خدای را که این کلام مولانا با حسن و حسب نامه روزبه همخوان و همگام است؛ گرچه گلچین نگذارد که گلی باز شود/ تو بخوان مرغ چمن بلکه دلی باز شود.



فرا‌دک آر تا

وقتی خبر تغییر مدیریت بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی رسانه‌ای شد، کمی عجیب به نظر می‌رسید. چون بردارن اسفندیاری و به‌خصوص امیر اسفندیاری سال‌ها در این فضا حضور پررنگی داشتند. البته عملکرد این گروه در زمان دیگری باید مورد تطیل قرار بگیرد، اما در آن دوره کارهای زیادی برای معرفی سینمای ایران انجام شد که جای تقدیر دارد و از سویی هم نقدهایی به کارشان وارد است که جای بحث و فحّص دارد. بگذریم... اما حالا راند فریدزاده، به‌عنوان مدیر جدید در بخش بین‌الملل فارابی حضور یافته است. در گفت‌وگو با او سعی کردیم از دیدگاهش درباره سینما بیشتر بدانیم.

● پیش از اینکه وارد بنیاد سینمایی فارابی شوید، در زمینه بین‌الملل چه کارهایی انجام داده بودید؟ من در دانشگاه شهید بهشتی، عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی هستم. ادبیات آلمانی و فلسفه تدریس می‌کنم. آشنایی و الفت با تاریخ، ادبیات و هنر در طول دوران تحصیل در آلمان و اتریش برای من حاصل شد. پس از اتمام دوره دکتر در رشته ادبیات و فلسفه آلمانی و بازگشت به وطن شروع به تدریس در دانشکده کردم. دوستان لطف کردند و چندی پیش به بنده پیشنهاد دادند که در بنیاد سینمایی فارابی در خدمتشان باشم. پیش از آن هم در اوایل دهه ۸۰ شمسی، آن زمان که در ایران تحصیل می‌کردم، همکاری خود را با بخش بین‌الملل انجمن سینمای جوانان ایران شروع کردم و حدود یکی، دو سال آنجا بودم و در دو دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران حضور داشتم و بخش هیئت داوران را سرپرستی می‌کردم. پس از ادغام انجمن با مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی مدتی هم در بخش بین‌الملل مرکز فعالیت کردم که خوشبختانه این همکاری ادامه پیدا کرد و در دوره‌های اول و دوم جشنواره «سینما – حقیقت» با جشنواره همکاری کردم. پس از آن فعالیت خود را در بخش بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی شروع کردم. آن زمان امیر اسفندیاری، مدیر بین‌الملل بودند و من در بخش جشنواره‌ها با بنیاد همکاری‌ام را شروع کردم و قبل از اینکه از ایران بروم، تقریبا به مدت دو سال با بنیاد همکاری داشتم. سپس برای ادامه تحصیل به اتریش و آلمان رفتم، اما همچنان همکاری من با سینمای ایران در جشنواره برلین ادامه داشت.

● اخیرا در برخی از کانال‌های تلگرامی و فضای مجازی از شما به مثابه «ژن خوب» یاد می‌کنند که از بستگان آقای خجسته هستید. آیا این‌گونه است؟ من متأسفانه جناب آقای خجسته را تاکنون ملاقات نکرده‌ام و با ایشان هم نسبتی ندارم. امکانات فناوری نوین و پیشرفت‌های تکنولوژیک وقتی در خدمت دروغ‌پزدازی قرار گیرد، کار دروغ‌پردازان را سهل می‌کند. این افراد اگر کوچک‌ترین زحمتی به خود می‌دادند و از بیان این‌گونه مطالب کذب پرهیز می‌کردند. در مورد تعبیر «ژن خوب» تکرار مکرر و طوطی‌وار این تعبیر نه لطفی دارد و نه در ساخت و پرداخت آن اندک هوشی و سر سوزن ذوقی به کار رفته است! قبل از هر چیز گویای بی‌بضاعتی هولناک ذهن و زبان کسانی است که این‌گونه تعبیر را برای تخریب اشخاص به کار می‌برند؛ به این حرف‌ها نباید پاسخ داد. فقط می‌توان برای کسانی که مشغول غرب این سکه‌های قلب هستند لاسدوری کرد.

● آیا برخلاف تحصیلات وارد امور غیرمرتبط شده‌اید؟ نه. از زمان فارغ‌التحصیلی تا به امروز به کار تدریس و تحقیق مشغول بوده‌ام و در کنار آن با دوستانی که اشاره کردم همکاری می‌کردم.

● شایدم‌نی داندند پردرمید و طراح «مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها» دولت اصلاحات بود؟ رابطه من با پردرم فارغ از پدری– پسری، بیشتر از نوع معلمی– شاگردی است و من پیش ایشان تلّمذ کرده‌ام.

البته همین‌جا باید صادقانه بگویم که شاگرد درخشان و تیزهوشی نبوده‌ام. ایشان شاگردان خیلی بهتری نسبت به من دارند و من هم در حد وسع و توانم سعی کرده‌ام جزء شاگردان تبتل نباشم.

● الان روز چه می‌کنید؟

ایشان که بازنشته‌شدن. از زمان بازنشتگی هیچ پست و مقام دولتی‌ای ندارند. ۱۲ سال در عرصه عمومی و فرهنگی دیگر نیستند. فقط جایی را به‌عنوان کتابخانه شخصی اجاره کرده‌اند و بیشتر وقتشان را صرف مطالعه و تحقیق می‌کنند.

● حتما بهتر از من می‌دانید که ترکیب واژگانی «ژن خوب» توسط حزب نازی مطرح شد و اساسا هیتلر معتقد به برتری ژن بود. آیا کسی که در آلمان زندگی می‌کند می‌تواند چنین نگاهی به خود در رسانه‌های عمومی داشته باشد؟ اگر شما این ادبیات را در جایی مثل آلمان مطرح کنید، قطعاً مشمول یک‌سری تنبیهات می‌شوید و تحت پیگرد قضائی قرار خواهید گرفت.

● چون کمالات نگاه نژادپرستانه دارد؟

کاملاً و به‌راحتی می‌تواند از شما شکایت کنند. اگر کسی به ژن برتر یا ژن خوب اشاره کند، مخصوصاً با آن سابقه ناسیونال–سوسیالیسم که آلمانی‌ها به آن حساس‌اند، بدون شک با تبعات فراوانی مواجه می‌شود.

دست‌کم کسانی که با فرهنگ و ادب سروکار دارند، بهتر است از به‌کارگیری این واژگان سخیف امتناع کنند.

● وقتی خبر انتصاب شما را شنیدم برابرم عجیب بود. چون سال‌ها آقای امیر اسفندیاری حضور داشت. چطور پیشنهاد این سمت را به شما دادند؟ وقتی خبر انتصاب امیر اسفندیاری فارابی را شنیدم، من مانند شما در جریان تغییرات نبودم. انصافاً آقای اسفندیاری در این سال‌ها و آقای شجاع‌نوری در دهه ۶۰ منشأ خدمات زیادی در سینمای ایران بودند. بخش زیادی از اتفاقاتی که در عرصه بین‌الملل افتاد، به همت ایشان و تیم خیلی خوبی بود که با ایشان در این سال‌ها همکاری داشتند؛ ازاین‌رو باید همین‌جا از زحمات زیادی که ایشان کشیده‌اند، قدردانی کرد. ما باید بیاموزیم از مدیریتانی که عالمانه و صادقانه فعالیت کرده‌اند –چه در زمان مسئولیتشان و چه پس از آن–. سیاست‌گذاری کنیم، به‌نظرم تغییرات صورت‌گرفته را باید معلول تغییر رویکرد سازمان سینمایی و فارابی در این حوزه دانست.

● این تغییرات در کجاها اتفاق افتاده است؟ بنا بر تغییر رویکرد و افق بین‌الملل سینمای ایران دو اتفاق افتاد: نخست اینکه شورای عالی بین‌الملل طراحی شد که بنا شد مرجع عالی تصمیم‌گیری، نظارت و سیاست‌گذاری در حوزه بین‌الملل باشد که متشکل از اشخاص حقیقی و حقوقی است و رئیس سازمان سینمایی، دبیران جشنواره‌های ملی و جهانی فجر، مدیران عامل مؤسسات و سازمان‌های تابعه سازمان سینمایی و همچنین افراد حقیقی که سال‌ها در عرصه بین‌المللی فعالیت کرده‌اند در این شورا حضور دارند. از سویی دیگر، جهان بخش بین‌الملل سینمای ایران را با لگو و نشان فارابی می‌شناسد. پس باید از این ظرفیت استفاده کنیم. از سویی در این سال‌ها سعی شده حوزه فعالیت بنیاد سینمایی فارابی را محصور و محدود به یک‌سری فعالیت‌های مشخص کنند.

● در دوره مدیریت قبلی سازمان سینمای شاهد بودیم کسی را بر مسند بین‌الملل سینما نشاندند که ربطی به سینمای ایران نداشت وبعدهم خودشان جلوی فعالیتش را گرفتند. با این حال موجبات محدودشدن فعالیت فارابی را فراهم کردند!

به‌هرحال و بنا به هر دلیلی تصور می‌کردند که فارابی باید کوچک‌تر و حوزه فعالیتش کم شود. اما نام و نشان فارابی در عرصه بین‌المللی کاملاً شناخته‌شده است. در مذاکراتی که با دوستان داشتم بنا را بر این گذاشتم تا ساختار جدیدی را طراحی نکنیم.

● چه جالب! چرا؟

چون در کشور ما مدام سازمان و نهاد جدیدی تأسیس می‌کنند و نمی‌دانند بخشی از هر نهاد و سازمانی به سابقه و ستنی که پشت سرش دارد، برمی‌گردد! در آلمان یک کافه یا فیلمی خلافاً آدم عادت مواجه نبود. از مثلاً تأسیس شده در سال ۱۸۹۸ میلادی؛ یعنی تاریخی را پشت سر گذاشته و به اینجا رسیده است. متأسفانه در کشور ما خیلی به این نکته توجه نمی‌شود که هر نهادی سابقه‌ای دارد و به‌راحتی نمی‌شود آن را از سنت و تاریخش منقطع کرد. به نظر می‌رسد اگر قرار است اتفاق‌های جدی‌ای در عرصه بین‌الملل بیفتد، نیازمند محملی است. معاونت بین‌الملل فارابی چنین جایگاهی داشت که بخشی از این ظرفیت‌ها دوباره به فعل رسد و بخشی از کارهایی که در این سال‌ها کنار گذاشته شده بود دوباره احیا می‌شد.

● در واقع خودرا مقید نکردید که باید طریقی نو در اندازید؟

خیر. البته طرح نو درافکندن خوب است. اما قرار نیست راه رفته را دوباره برویم.

● عادت کرده‌ایم که مدیران ما هر سال چرخ را دوباره اختراع کنند!

به هر حال، نهاد و صنف تشکیل شده ، نمی‌شود آن نادیده گرفت و تازه هر نهاد تازه‌تأسیس هزینه‌بر است. البته چنین بدیهیاتی در حوزه علوم انسانی شرح داده شده است! اما عامل به آن کم داریم!

در حوزه علوم انسانی برای نگاه به هر موضوع، باید سیر تحقق تاریخی را بررسی کرد. نمی‌توانید امری را به دور از ظرف تاریخی در نظر بگیرید. باید تحقق و پیدایش مسئله را در ظرف مکانی و زمانی خودش در نظر بگیرید. نمی‌توانید از ریشه‌های تاریخی و فرهنگی جدایش کنید؛ به همین دلیل در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نمی‌توان مانند آزمایشگاه عمل کرد. آزمایشگاه این حوزه، عرصه کل زندگی است و تکرار‌ناپذیر. مخصوصاً در حوزه هنر که با لحظاتی‌سروکار دارد که تجربه زیسته‌شده است و تکرار‌پذیر نیست؛ پس این میراث را باید حفظ کنید. مسیر آمده را باید نقد کنیم، اما از نکات کسب‌شده باید بهره ببریم و نباید حتماً راه جدید را بدون درنظرگرفتن تجربیات گذشته برگزینیم. چون در این صورت معمولاً مسیر برگزیده به بیراهه و به ناگه‌آباد ختم می‌شود.

● تاکنون در کدام بخش بیشتر متمرکز شده‌اید؟

هنر

گفت‌وگو با راند فریدزاده، دبیر شورای عالی بین‌الملل سازمان سینمایی و معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی

ساختار جدیدی طراحی نکرده‌ایم



علیرضا سهندیان، مدیر سابق سینما فارابی

در بدو ورودم فرصتی پیدا شد تا فضا را بهتر شناسایی کنیم. این امکان مسئله نشان از ضعف استدلال موجود بیفکینم تا بررسی کنیم سینمای ایران با این عقبه درخشان به چه موقعیت و جایگاه تاریخی‌ای دست یافته است و چگونه می‌توان مختصات آن را ترسیم کرد. پیش‌تر از بزرگان آموخته‌ام که بسیاری از مسائل را در گفت‌وگو می‌توان درک و فهم کرد. بنابراین شروع به بازیابی با افراد مختلف کردم. فرقی هم نمی‌کرد این افراد چه نگاهی داشته باشند. فکر می‌کردم هر چه بیشتر مستمع باشم، می‌توانم نکات بیشتری را بیاموزم. از تجارب دوستانی که در اینجا فعال یا کسانی که دور بودند، استفاده کردم. با بخش خصوصی و با کسانی که به نوعی درگیر حوزه سینمای ایران در عرصه بین‌المللی بودند، جلسه داشتم. چون نیاز داریم بدانیم چه تغییر و تحولاتی در دنیا رخ می‌دهد و اینکه آینده نزدیک خودمان چه خواهد بود و تغییرات تکنولوژیک، سیاسی و اجتماعی چقدر در فرایند تولید سینما تأثیرگذار است و چه تأثیری بر کار ما دارد. چون تا به امروز به این منوال نبوده که وقتی فعالیت تولید می‌شود، به‌ما هم عرضه و سعی می‌شد تا برای آن بازار و مخاطب پیدا کنیم. اما در جاهای دیگر دنیا این‌طور است که شما به عنوان کسی که در عرصه بین‌المللی قرار است فیلم را پخش کنید، از ابتدای طرح حضور دارید و می‌دانید طرح قرار است کجا کارکرد داشته باشد و مخاطبش چه کسانی هستند. برای هر حوزه‌ای قرار است ساخته شود، چه جشنواره‌ها و بازارهایی مناسب با آن وجود دارد. با چه تهیه‌کننده‌ها و توزیع‌کننده‌هایی می‌توان وارد مذاکره شد. شما از اول این پروژه را همراهی می‌کنید و متناسب با آن حتی می‌توانید در فیلم‌نامه دخالت کنید. اگر قرار است فیلم‌نامه برای مکان مشخصی نوشته شود و کارکرد ویژه‌ای را ایفا کند، باید کسانی به عنوان مشاور در کنار فیلم‌نامه‌نویس‌ها قرار گیرند تا با نگاه بین‌المللی خود سمت‌وسوی نگارش را اصلاح کنند تا این اثر بتواند جنبه عمومی‌تر داشته باشد و فرهنگ مشخصی را مخاطب قرار دهد. مسئله مهم دیگر این است که بدانیم نقاط قوت و ضعف‌مان کجاست.

● به نظر شما نقطه قوت ما در این بخش کجاست؟ خوشبختانه سابقه و تاریخ سینمای ایران در حال حاضر در همه‌جا شناخته شده و مخاطب بین‌المللی همیشه این توقع را دارد که وقتی فیلم ایرانی ببیند غافلگیر و بی فیلمی خلافاً آدم عادت مواجه شود. از طرف دیگر سینمای ایران در این سال‌ها از لحاظ فنی توانسته موفقیت فراوانی به دست آورد و به عرصه‌های بین‌المللی ورود پیدا کند و در مقابل خیلی از کشورها حرفی برای گفتن داشته باشد. شاید به این مسئله خیلی توجه نشده که اتفاقا ما می‌توانیم صادرکننده عوامل، خدمات فنی و تکنیکی سینمایی باشیم. کاملاً اینکه برخی از پروژه‌های بین‌المللی مثل ترکیه، گرجستان، جمهوری آذربایجان از عوامل ایرانی بهره گرفته‌اند. از طرفی دیگر اختلاف ارز که به نوعی برای بخش ما هم تهدید و تحدید است، این فرصت را فراهم می‌کند که هزینه تولید در ایران نسبت به جاهای دیگر پایین‌تر شود. الان برای کسانی که به همکاری با سینمای ایران علاقه دارند فرصتی پیش آمده با هزینه پایین‌تر ولی با کیفیت بهتر در ایران فیلم‌سازی کنند.

● وقتی چارچوب بحث و گفت‌وگو کنار می‌رود و شما به لحن پرانگی و توهمین متوسل می‌شوید، به‌نظرم دیگر نمی‌توان گفت که چز سکوت. اینکه شما خودتان را طوری حق مطلق بدانید و ادعا کنید دیگران مثل شما تعهد و علاقه‌ای به مین و ارزش‌های دینی و اعتقادی ندارند، سخت قابل هضم است. نخست این مدعا باید ثابت شود. با نگاهی منصفانه شاید کل ماجرا از اساس شکل دیگری به خود بگیرد

● فارابی روی جشنواره‌ها است و بحث اکران عمومی را جدی نمی‌گیرد. در حالی که در آذربایج در اکران یکی از جنبه‌های مهم مسئولیت مثل سینمای آمریکا یا هند، نظرتان چیست؟

به نکته درستی اشاره کردید. در این طرح کلان قطعاً جشنواره نقش خیلی مهمی برای عرضه و دیده‌شدن فیلم دارد و البته جشنواره همیشه با بازار پیوند خورده است. اینکه چگونه می‌توانید در این بازارها محصولی را عرضه کنید که مخاطب خودش را پیدا کند، نیازمند مطالعات و بررسی شرایط است. بخش زیادی از این کار باید از سویی بخش خصوصی انجام شود. می‌توانیم به عنوان دولت زمینه‌ساز تحقق این مسائل شویم. برای مثال، غرفه سینمای ایران را در بازارهای مختلف برپا و در ذیل آن این امکان را فراهم کنیم تا محصولات عرضه شوند. یا اگر در حوزه تولید مشترک تفاهم‌نامه‌های فرهنگی و مختص تولید مشترک را به کشورهایی که این امکان را دارند منعقد کنیم، حداقل چارچوب حقوقی ماجرا فراهم می‌شود و زمانی که بخش خصوصی می‌خواهد وارد این عرصه شود به پشتوانه‌ای که وجود دارد، کار خود را پیش ببرد. البته بخشی از این کارها

محقق شده. درباره اکران محصولات سینمایی در کل دنیا رقابت خیلی سخت و فرسایشی است. ضمن اینکه اکران هم صرفاً سینمایی نیست. اکران می‌تواند تلویزیونی، شبکه‌های اینترنتی، اکران فرهنگی مانند سینماک و... باشد. الان به نوعی هنوز نیازمند این هستیم که از لحاظ حقوقی بررسی شود که وقتی درباره اکران صحبت می‌کنیم، قرار است کجا و چگونه عرضه صورت گیرد. یک مزیت نسبی سینمای ایران این است که فیلم‌هایی را که جز، فیلم‌های هنری محسوب می‌شوند، تولید می‌کند؛ ولی گاهی فراموش می‌کنیم تولید و عرضه این نوع سینما خودش یک صنعت است.

● خب در بخش هنری مخاطبان خودش را دارد؟ بله و وقتی به بازگشت سرمایه نگاه می‌کنید، در قیاس با هزینه‌ای که صورت گرفته، توانسته بخش زیادی از هزینه‌اش را تأمین کند.

● حالا برسیم به بحث این روزها که فیلم «بدون تاریخ و بدون امضا» به اسکار معرفی شد. آیا واقعا آقای ترامپ با شما تماس گرفت؟!

می‌خندد) طرح این مسئله نشان از ضعف استدلال و رویکرد غیرمنطقی دارد. وقتی شما در عرصه‌ای وارد گفت‌وگو می‌شوید، باید قاعده بازی گفت‌وگو را رعایت کنید. به هر حالت هیئتی یک فیلم را انتخاب کرده است؛ پس یاد بگیریم به عقاید هم احترام بگذاریم. این بد است که شما پیش‌فرض خود را قطع یقین می‌گیرید که قرار است فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» چهره ایران را تخریب می‌کند. درحالی‌که ممکن است کسی بگوید بر چه اساسی و با چه قطعیتی این حکم را صادر می‌کنید؟ اگر از زاویه دیگری بنگرید، شاید به نتایج دیگری برسید. این دعوایی است که در این سی‌و‌خورده‌سال وجود داشته که به نظرم خیلی نغمه‌نا شده است!

● یک جورهایی شبیه توهم «دایی‌جان ناپلونی»!

متأسفانه این‌گونه است؛ اما فارابی باید زمینه‌ساز شود که باب گفت‌وگو در داخل و خارج گشوده شود. در گفت‌وگوی سینمایی با خارج باید بخش خصوصی ایران با کشورهایی دیگر فراهم شود و باید به این سمت و سو برویم که امکان وصل‌شدن بخش خصوصی و تولیدات را به چرخه عرضه جهانی فراهم کنیم. این زمانی است که محصول از ابتدا برای کارکرد مشخص محلی نباشد. موضوع ممکن است بومی باشد؛ اما بیان و شیوه ارائه مطلب باید در وجه بین‌المللی باشد.

● نگاهی از جنس توسعه‌یابدار؟

بله. ممکن است ماجراجویی در منطقه دور ایران اتفاق بیفتد؛ اما مخاطبان جهانی آن را به‌عنوان مسئله خودشان ببینند. در واقع بیان شما از مسئله به گونه‌ای است که او هم خودش را در ارتباط با موضوع می‌پندارد. برای خلق اثر هنری وجه زبان و کارکرد آن تغییر می‌یابد. یک نبود استمرار روزمرگی و انقطاع از فضای ماثوس ایجاد می‌کنید که من تماشاگر را این اثر در

سباق دیگری مواجه شوم. این همان کارکرد اصلی هنر انجام است.

● این غافلگیری است که مخاطب توقع دارد؟

کاملاً. هر اثر هنری دعوت به ورود به جهان اختصاصی خود می‌کند. اجابت این دعوت یعنی پیروی‌کردن از قواعد وضع‌شده آن اثر. این قواعد الزاما رابطه مستقیمی با قواعد طبیعی ندارد. اثر هنری در ادامه روزمرگی نیست؛ بلکه در آن خلل ایجاد می‌کند.

● چرا برخی‌ها است را سیاه‌نامی‌ای ارزیابی می‌کنند؟ به نظرم این تلنگر است تا سیاه‌نامی. در صورتی‌که تلنگری که به‌عنوان سیاه‌نامی‌ای می‌برند، تلنگری است که شما را از مسیر مشخص روزمره خارج می‌کند و در سیاق دیگری قرار می‌دهد و به گونه‌ای این مسئله بیان شده که شما به‌عنوان مخاطبی که خیلی آن زبان و فرهنگ را نمی‌شناسید، تبدیل به مسئله خودتان می‌شود. به این معنی مسائل داخلی و محلی را می‌توان به صورت جهانی مطرح کرد. تلخی یک فیلم به معنای سیاه‌نامی نیست. در تلخی هوشیاری نهفته است که آن هوشیاری و معرفت حاصل از آن شیرین است. تلخی شیرین.

● با همه‌جا علیه فارابی چه می‌کنید؟ تاجایی‌که منطقی باشد. خیلی‌علاقه‌مندم که بحث شود. تا کلام مخالف نباشد، انسان معایش را نمی‌شناسد؛ ولی وقتی چارچوب بحث و گفت‌وگو کنار می‌رود و شما به لحن پرانگی و توهمین متوسل می‌شوید، به‌نظرم دیگر نمی‌توان کاری کرد جز سکوت. اینکه شما خودتان را طوری حق مطلق بدانید و ادعا کنید دیگران مثل شما تعهد و علاقه‌ای به مین و ارزش‌های دینی و اعتقادی ندارند، سخت قابل هضم است. نخست این مدعا باید ثابت شود. با نگاهی منصفانه شاید کل ماجرا از اساس شکل دیگری به خود بگیرد.

● درحال حاضر فارابی فعالیتی در بخش جشنواره جهانی فیلم فجر ندارد؟

فارابی به‌عنوان دبیرخانه شورای عالی بین‌الملل تعاملاتی با جشنواره جهانی فیلم فجر دارد و بخش زیادی از همکاران در فارابی در بین‌الملل جشنواره جهانی فجر همکاری می‌کنند.

● اما شما حضور سینمایی دارید؟

قرار بر این است که شورای بین‌الملل ختم‌شده‌هایی را که هرکدام از مؤسسات و سازمان‌های تابعه انجام می‌دهند، بررسی کند. جشنواره جهانی فجر هم برنامه‌اش را عرضه می‌کند. دوست عزیزم جناب آقای میکرمچی که دبیر محترم جشنواره هستند، به‌عنوان شخص حضور دارند و این شورا حضور دارند و وقتی برنامه‌ها را عرضه کنند، به بحث گذاشته می‌شود. حتی پیشنهادهایی داده می‌شود که امسال تمرکز روی چه کشوری باشد و چه فیلم‌هایی عرضه شود. این دست از مباحث مورد تبادل‌نظر قرار می‌گیرد. باید به سمتی برویم که خشکی‌ها را برطرف و در حوزه بین‌الملل بیشتر به هم کمک کنیم تا افق مدنظر قابل دسترسی باشد.

زیر درختان زیتون

معرفی شورای سیاست‌گذاری جشنواره هنرهای تجسمی فجر

● گروه هنر: اعضای شورای سیاست‌گذاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر معرفی شدند. سیدمجتبی حسینی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حکمی رئیس و اعضای این شورا را منصوب کرد.

بنا بر این حکم، هادی مظفری، رئیس شورای سیاست‌گذاری و ابراهیم حقیقی، لیلی گلستان، فرزند ادیبی، امیر راد، امیراحمد فلسفی، احمد عربانی، مهران هوشیار، کیانوش غریب‌پور، محسن سلیمانی، اردشیر مجردتاگستانی، حمید شانس و سیف‌الله صمدیان به‌عنوان اعضای شورای سیاست‌گذاری معرفی شدند.

حسینی در این حکم نوشته است: «با عنایت به حسن سوابق علمی و هنری و بهره‌مندی از شایستگی و تجربیات ارزنده شما، به موجب این حکم؛ به‌عنوان رئیس و عضو شورای سیاست‌گذاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر منصوب می‌شوید. امید است با همکاری و هم‌فکری سایر اعضای شورا در امر برنامه‌ریزی و برگزاری این رویداد هنری موفق و پیروز باشید».



هادی مظفری، مدیرکل هنرهای تجسمی و رئیس شورای سیاست‌گذاری، نیز عنوان کرد: «دیر جشنواره تجسمی فجر در این دوره در جلسات شورای سیاست‌گذاری جشنواره انتخاب و در روزهای آتی معرفی خواهد شد». گفتنی است، یازدهمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی بهمن‌ماه سال ۱۳۹۷ برگزار می‌شود.

«هندسه درون‌پویی» در گالری «آس»

● گروه هنر: نمایشگاه گروهی نقاشی با عنوان «هندسه درون‌پویی» به کوشش (curator) پرهام دیدهر در گالری «آس» برگزار می‌شود. این نمایشگاه جمعه، ۲۰ مهر، گشایش می‌یابد و تا چهار ماه‌آدمه خواهد داشت. هنرمندان شرکت‌کننده در این نمایشگاه رضا حسینی، فرح ابوالقاسم، ساسان نصیری، عیسی جباری، همایون تک، حسین چراغچی، شیما خشنخاشی، مانی مهرداد، قسان دهقانی، الهام روشنی، سیاوش حاتم و دانیال ملانوروزی هستند. علاقه‌مندان برای دیدن این نمایشگاهی می‌توانند از ساعت ۱۶ الی ۲۴ روزهای اعلام‌شده به نشانی شریعتی، بالاتر از پل رومی، جنب بانک پارسیان، شماره ۱۸۳۱، گالری آس مراجعه کنند.

شب خیابان مولوی برگزار می‌شود

● گروه هنر: برنامه فرهنگی «شب خیابان مولوی» با سخنرانی سیدعبادالله انوار و احمد محیط‌طباطبایی با نمایش فیلم مستند «خیابان شاعر»، به کارگردانی شهرام میرآبادقم، برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند پنجشنبه، نوزدهم مهر، ساعت پنج بعدازظهر به آدرس خیابان استاد نجات‌اللهی، نبش خیابان ورشو، خانه اندیشمندان علوم انسانی، تالار فردوسی مراجعه کنند.

۳۵۰ اثر درباره «رنگ و زندگی»

● نمایشگاه تصویرگری «رنگ و زندگی» در نگارخانه خیال شرقی صبا برپا می‌شود. مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، عصر جمعه، ۲۰ مهر، از ساعت ۱۶ با حضور جمعی از پیش‌کسوتان و استادان هنر تصویرگری در کنار هنرمندان جوان در نگارخانه خیال شرقی آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۹ ادامه خواهد داشت.

در این نمایشگاه که تا ۲۶ تا مهرماه ادامه دارد، ۹۶ تصویرگر با بالغ بر ۳۵۰ اثر به کیوریتوری خسرو انصاری حضور دارند.

علاقه‌مندان برای بازدید از نمایشگاه «رنگ و زندگی» می‌توانند هم‌ه‌روزه به‌جز روزهای تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸ به مؤسسه صبا، واقع در خیابان طالقانی، نرسیده به میدان فلسطین، خیابان بردارن مظفر، پلاک ۱۲۵ مراجعه کنند.

از آتیلایسپانی تا نگار جواهریان

● گروه هنر: «نام‌برده»، کاری از علی اصغر دشتی، با حضور آتیلایسپانی، نگار جواهریان، پانته‌آ پناهی‌ها، علی باقری، اصغر پیران، ایلناز شعبانی و حمید حبیبی‌در فر تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود.

«نام‌برده» کاری از «نام‌برده»، کاری از علی اصغر